



## از مردم ایراد نگیرید آنها دین شان را از ما گرفته اند

سیدحسن خمینی، در شب نیمه رجب در جمع شماری از زائرین حرم امام گفت: «استاد جوادی آملی تعبیر بسیار زیبایی دارند که می گویند «ظاهر مردم، باطن مسئولان است»؛ این سخن یعنی بد بودن ظاهر آنها به خاطر بد بودن باطن ما است؛ اگر می خواهید خوب شوند، باطن خودتان را خوب کنید. اگر باطن من خوب شود، ظاهر او خوب خواهد شد. ما از ظاهر او ایراد گرفته ایم، غافل از اینکه علت ایراد او، باطن ماست.» یادگار امام با اشاره به شعر حافظ که «می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب / چون نیک بنگری همه تزویر می کنند»، افزود: «یک نفر به حافظ می گوید آنها تزویر می کنند، اما این یکی چرا می بخورد؟ می گوید به خاطر اینکه «النَّاسُ عَلَى دین مَلُوكِهِمْ». آنها دین شان را از ما گرفته اند. حافظ می گوید وقتی تو که به من می گویی، به اینها عمل نمی کنی، معلوم است که خبری نیست.» او ادامه داد: «حافظ جای دیگری می گوید «من اگر نیکم و گرد بد تو برو خود را باش / هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت». اما در این بیت می گوید اگر شیخ، مفتی و محتسب بد شدند، او هم می می خورد. بنابراین، تعبیر بسیار حکیمانه ای است که آقای جوادی فرمود، «ظاهر مردم، باطن مسئولان است». از مردم ایراد نگیرید! وقتی از جلو آینه رد می شوید، یادتان بیاید که «آینه چون نقش تو نمود راست / خودشکن آینه شکستن خطاست»؛ ظاهر مردم آینه باطن شماست است. خودتان را اصلاح کنید.»



## جنگ زرگری راه می اندازند

محسن رهامی، فعال سیاسی اصلاح طلب، در گفت و گو با منبجان درباره ردصلاحت حسن روحانی گفت: «این امر نشان دهنده تلاش جریان های افراطی جناح اصولگرا در حذف نیروهای معتدل و میانه رو از نهادهای تأثیرگذار نظام و یکدست سازی و به قول خودشان خالص سازی خبرگان و مجلس از غیر خودی ها در آینده است.» او درباره رقابت داخلی اصول گرایان گفت: «در شرایط فعلی که با توسل به قدرت و با ابزارها و نهادهای مؤثر در امر انتخابات رقبای اصلی را تقریباً به کلی حذف کرده اند، ممکن است زمینه های رقابت درونی آنان فراهم شود و به نوعی رقابت درون گروهی صورتی دست بزنند تا بتوانند نوعی رقابت تصنعی و یا به عبارت بهتر نوعی جنگ زرگری جهت داغ کردن تنور انتخابات ایجاد کنند.»



## زهرآ توحیدی آزاد شد

زهرآ توحیدی، فعال سیاسی که برای گذراندن دوران محکومیتش در زندان اوین محبوس بود، دیروز با پایان دوران محکومیتش از زندان آزاد شد. او سال گذشته و در جریان اعتراضات سراسری بازداشت و با اتهام اجتماع و تبانی به قصد علیه امنیت کشور در دادگاه به ۵ سال حبس محکوم شده بود که سه چهارم حکم حبس تعلیقی و یک چهارم حکم اجرایی بود و حالا با پایان دوره حبس، زهرآ توحیدی برگه آزادی دریافت کرده است.

## منافع ملی؛ امت و ملت



محمد منصورنژاد  
عضو هیئت مدیره انجمن علمی مطالعات صلح ایران

نکته اول که باید مورد اشاره قرار بگیرد، این است که برخی از منابع که به منافع ملی از منظر اسلامی می پرداختند، منافع ملی را به صورت اصطلاح در نظر گرفته اند و بعد از آن گفته اند ببینیم در اسلام چنین اصطلاحی داریم یا خیر؟ برخی هم برعکس کار کردند و مفردات را دیده اند یعنی منافع و ملی را جدا کرده اند و به صورت جدا آنها را ارزیابی کردند. من اما آمدم هر دو کار را کردم یعنی هم مفردات را دیدم و هم به ترکیب توجه کردم. براساس مکتب فایده گرایانه

## گفتار اول

دکتر داوری است که در کتابی که درباره انقلاب اسلامی نوشته، مفصل گفته است که المله و ملت در قرآن ربطی به ملت به معنای nation یا nationality ندارد.

پس اگر ملت در قرآن ربطی به مردم ندارد، ما منافع ملی را چگونه به کار می بریم. نکته جالب این است که در هیچ کشور عربی نمی گویند منافع ملی، این اصطلاح من درآوردی در ایران است. اگر قرار است این اصطلاح در فرهنگ عربی قبول شده باشد که باید مورد استفاده قرار می گرفت اما آنها از کلمه هایی مانند القومیه یا الشعبیه استفاده می کنند. مفهوم ملت یک غلط مصطلح است که در سده اخیر مُد شده و ما به کار می بریم. اما حالا این منافع ملی را به عنوان غلط مصطلح بپذیریم، آیا در اسلام می توان منافع ملی داشت یا خیر؟ همه می دانیم که در اسلام بحث امت مطرح است و می گوید از اول امت بودید و تا آخر امت هستید. واژه امت در مقابل ملت به معنای مردم است و به معنای همه افرادی است که دین دارند. با توجه به برجسته بودن امت در قرآن، آیا ما می توانیم منافع ملی را به معنای منافع مردم در نگاه دینی داشته باشیم؟ به رغم این شک و شبهه ای که گفتیم اما پاسخ من مثبت است و می گویم می توان منافع ملی را در آموزه های اسلامی پذیرفت.

نکته بعد این است که منابع شیعی «کتاب، سنت، عقل و اجماع» است که در بین اینها، اجماع خیلی جدی نیست، منابع شیعه اصیل «عقل، کتاب و سنت»

# چالش های یک مفهوم

## سه گفتار درباره نسبت منافع ملی و مصالح دینی

**گروه سیاسی:** هفته گذشته، خانه اندیشمندان علوم انسانی میزبان نشست تحت عنوان «منافع ملی و مصالح دینی» بود تا موضوع منافع ملی در جمهوری اسلامی و چالش هایی که پیش روی این موضوع قرار دارد، مورد نقد و بررسی قرار بگیرد. در این نشست به ترتیب خسرو قبادی «عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی»، حسین محمدی سیرت «عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق» و محمد منصورنژاد «عضو هیئت مدیره و مسئول کمیته دین پژوهی انجمن علمی مطالعات صلح ایران» مطالبی را در ارتباط با موضوع بیان کردند.

نگارنده: خیرگزاری مهر

## گفتار دوم

باید این دیپلمات شما در یک دوگانه ای قرار بگیرد؟ من ماه پیش سفری به منطقه اسکندریه داشتم، گزارشی برای وزارت خارجه نوشتم و اشاره کردم که این دیپلمات شما نه مرد دل کندن از غرب است و نه دل در گرو غرب دارد و در یک برزخی گرفتار شده است. حالا اینجا مفهوم منافع ملی خیلی مهم است که دیپلمات شما یک فهم منسجم از مفهوم منافع ملی داشته باشد، آیا این را می خواهد در چارچوب ادبیات غربی تعریف کند؟ یا این را می خواهد در فضای ادبیات ایدئولوژیک تعریف کند؟ هنوز ما به یک انسجام مفهومی نرسیده ایم و این به شدت کار را غیر منسجم می کند. نکته و چالش بعدی این است که ما در یک رویکرد شبهه آرایانه و شبهه دینی، به شدت در عرصه ملی منفعت ستیزی داشته ایم. البته قطعاً ما به یک بلوغی در دهه پنجم انقلاب اسلامی رسیده ایم اما هنوز هم ما یک دوگانه ای می سازیم. اینکه آرمان گرایی یعنی ذبح منافع عینی ملی، سنتی و تاریخی ما؛ یک مثال و یا مفهوم تلخ پررتکار در این ارتباط برنم. مثلاً دوگانه تعهد و تخصص، به نظر بزرگواران فهم چرایی وقوع انقلاب اسلامی بدون اینکه باور قلبی داشته باشیم یا نداشته باشیم، یک امر تعهدی است و یا تخصصی؟ مثلاً از دیپلماتی که می خواهد وارد وزارت خارجه شود بیبرسیم شما که زبان انگلیسی تان خیلی خوب است بگویند چرا انقلاب اسلامی اتفاق افتاد؟ آیا این سوال تعهد است یا تخصص؟ امروز به شما می گویند که این سوال تعهدی است و اینکه آن فرد انقلاب اسلامی را درست فهمیده باشد. می خواهیم بگویم ما هنوز در حیاتی قرار داریم که باید شفاف شود. افراط و تفریط در فهم مفهوم امت و ملت داریم. البته امروز فعالیت ها به یک تعادلی رسیده است. مسئله اخلاق و منافع ملی واقعاً جدی است و جزء چالش های ماست. غرب تکلیفش را تقریباً روشن کرده است و می گوید اخلاق در مرزهای ملی معنا دارد. شما می بینید یک آدم واقعاً خوش اخلاق در مرزهای ملی است اما پذیرفته خارج از مرزهای ملی مسئله منافع ملی مطرح است. اخیراً ما جلسه ای با آقای رومانو پرودی، نخست وزیر پیشین ایتالیا هماهنگ کرده بودیم که مصاحبه ای با ایشان انجام دهیم. ما هماهنگی ها را انجام دادیم و کارهای سفر انجام شد اما دو روزونیم قبل از مصاحبه با هم پیام دادند که مصاحبه لغو شده است. من به آقای سفیر گفتیم چرا لغو کرد؟ گفت پرودی به من گفت که پیرمرد هستم و خاطرات کودکی من همزمان با جنگ جهانی دوم است. شما در مسئله روسیه و اوکراین من را یاد خاطراتم انداختید و من این مصاحبه را لغو می کنم.

قومی وجود ندارد؟ آیا مثلاً دیپلماتی که با شما از سوئیس گفت و گو می کند، احیاناً ایتالیایی زبان نیست؟ چرا وقتی با شما مذاکره می کند منافع قوم ایتالیایی زبان سوئیس را نمی بیند و نماینده کشور سوئیس است؟ یا فرض کنید در مقوله قومی بودن؛ مثلاً دیپلماتی را می بینید که عرب زبان است اما ساکن جنوب ترکیه است یعنی به عبارتی کرد عرب ترکیه ای است اما وقتی با شما گفت و گو می کند حرف از منافع ملی می زند ولی در جمهوری اسلامی ما در مواردی شاهد هستیم که منافع قومی بر منافع ملی تفوق پیدا می کند. برای مثال الان یکی از مشکلات ما در دستگاه دیپلماسی کشور این است که در مناطق آذری زبان دیپلمات ترک نفرستند. دیپلمات شما فراموش می کند که او نماینده ایران در ترکیه است نه اینکه نماینده آذری ها باشد. این یکی از چالش ها است که آیا باید هویت های خرد را تضعیف کرد؟ آیا باید هویت منصفی را فراموش کرد؟ راه حل اینجا چیست؟

نکته بعدی و چالش بعدی، رویکرد رمانتیک به فهم منافع ملی است. این یکی از گرفتاری هایی است که ما داریم. من احساس می کنم فهم ما از بسیاری از واژگان در عرصه علوم انسانی یک فهم رمانتیک است. آیا منافع ملی امری است که می توان آن را کاملاً در فضای توده ای تعریف کرد؟ آیا فهم مفهوم منافع ملی امری نخبگانی است؟ به ما که می رسد به شدت تأکید می شود که این مفهوم امری توده ای است اما وقتی شمار در ساختار سیاسی غرب کنکاش می کنید، می بینید اتفاقاً مفهوم منافع ملی را به شدت بدنه الیت و نخبگان جامعه تعریف می کنند و یک مفهوم دم دستی نیست.

چالش بعدی که خیلی پررنگ است، تضاد و در خوش بینانه ترین حالت، تراحم بین منافع ملی و مبنای دینی است. من به عنوان کسی که با افراد درگیر در موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی مصاحبه کرده ام، این نکته را می گویم که متدین ترین و به اصطلاح حزب اللهی ترین دیپلمات ها در مواردی با تعارف می گویند اسلام گفته دست ندهید ولی بالاخره منافع ملی ما جایی زیر سوال است. چرا



حسین محمدی سیرت  
عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق

بحث منافع ملی پرچالش و پر حاشیه است و در کوتاه مدت نمی توان درباره آن صحبت کرد. به ذهنم رسید در این زمان کوتاه به چالش هایی اشاره کنم و بعد هم سه رویکرد مطرح را بگویم. درباره ضرورت صحبت از منافع ملی، می توان موضوعاتی را مطرح کرد. من درگیری کوچکی در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارم و در حوزه منافع ملی دو کتاب و تعدادی مقاله نوشته ام. در یکی از کتاب هایی که کار کردیم، ۲۰ مصاحبه با مسئولان حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اعم از وزارت خارجه و دیگر نهادهای درگیر در این موضوع انجام شد. ما واقعاً فهم معناداری از مفهوم منافع ملی نداریم و این چالشی شفاف و روشن است و طبیعتاً این فهم چندگانه منجر به یک عدم ثبات در طراحی سیاست خارجی می شود.

نکته بعدی که خودش را در سال های گذشته پررنگ نشان داده، تفوق منافع دیگر بر منافع ملی ولو به صورت ناخود آگاه است. مثلاً یکی از عجیب ترین منافع که بر منافع ملی تفوق پیدا می کند، منفعت سازمانی است. مثلاً وزارت امور خارجه به صورت ناخود آگاه با سازمان فرهنگ و ارتباطات رقابت می کند و یا نیروی قدس ناخود آگاه با وزارت امور خارجه رقابت می کند. این مسئله تفوق منافع دیگر بر منافع ملی یکی از چالش های ماست و منفعت شخصی عبران ترین شکل این موضوع است؛ اینکه فرض کنید دیپلمات شما منافع شخصی اش را ترجیح دهد. در سال های اخیر گاهی اوقات منفعت صنفی، جناحی، سازمانی، قومی بر منافع ملی تفوق پیدا کرده است. سوال اینجاست که آیا در کشورهای دیگر منفعت شخصی و



نگارنده: خیرگزاری مهر